

"پایدارسازی منابع مالی شهرداری‌ها با بهره‌گیری از منابع مالی ساکنان بافت فرسوده شهری با تاکید بر رویکرد W.T.P"

۱- مجتبی رفیعیان ۲- رها پولادی ۳- محمدرضا سرداری

چکیده

شهر پدیده‌ای پویا و قابل تغییر است که براساس میزان تحولات وارده و انطباق فرآیندهای درونی خود با آن، جریان توسعه را طی می‌کند. از مهمترین وجوه پایداری شهری، دستیابی به الگوی پایدار منابع اقتصادی برای تامین هزینه‌های جاری و عمرانی مورد نیاز شهر می‌باشد که امکان سرمایه‌گذاری در نظام زیرساخت‌های توسعه‌ای شهر و همچنین خدمات رفاهی مورد نیاز را فراهم می‌آورد.

در الگوی تامین منابع مالی سنتی مدیریت شهری، عمدتاً منابع سریع و قابل حصول و ناپایدار، منبع اصلی تامین نیازهای مالی دستگاه‌های مدیریت شهری قلمداد می‌شود که نمونه بارز آن را در حوزه مدیریت شهری کشور می‌توان در فروش تراکم و نیاز بسیار جدی شهرداری‌ها به منابع دولتی مشاهده نمود. نکته‌ای که در جریان تولید درآمدهای ناپایدار مالی، به حوزه مدیریت شهری وارد می‌شود، ناتوانی دستگاه‌های متولی مدیریت شهری از جذب و تولید سایر منابع قابل استحصال است که به دلیل وابستگی زیاد شهرداری‌ها به منابع ناپایدار و غیرمشارکتی مردم و نهادهای عملکردی شهر، باعث می‌شود با اندک تغییرات ایجاد شده در سیاست‌گذاریهای ملی و تحولات مالی دولت، به شدت آنها را تحت تاثیر قرار دهد.

به همین منظور با طرح و رویکرد نوین اقتصاد شهری، مباحث کاملاً جدیدتری پایه‌عرضه‌تئوری و اجرا گذاشته است که هدف عمده آنها، شناسایی مکانیسم‌های ارتقاء و تولید منابع مالی پایدار و مطلوب برای تامین نیازهای هزینه‌ای حوزه مدیریت شهری است. از جمله این مباحث، رویکرد سنجش (WTP) است که (Willingness To Pay) به معنی تمایل به پرداخت می‌باشد. عموماً سنجیدن تمایل به پرداخت مصرف‌کنندگان برای کالاها و خدماتی که دارای بازار مشخصی هستند از طریق مازاد عرضه و تقاضا قابل دسترسی است، اما در زمان نبود بازاری مشخص و وجودنداشتن قیمت بازاری برای کالا و خدمتی (WTP) باید از طرق گوناگونی تخمین زده شده و ارزش کالا و خدمت مورد انتظار برآورد شود.

که از جمله روش‌های برآورد تمایل به پرداخت مصرف‌کنندگان برای کالا و خدمت غیربازاری می‌توان از روش ارزش گذاری مشروط (Contingent Valuation Method)، روش تجربه‌برگزیده (Choice Experiment Method)، روش هزینه سفر، روش قیمت گذاری هدونیک و... نام برد. که البته از هر یک از این روش‌ها برای سنجش تمایل به پرداخت در زمینه‌های متعدد مطالعاتی استفاده می‌شود ضمن اینکه نوع مسئله خود به انتخاب روش بسیار یاری می‌رساند.

در این مقاله با استفاده از جدیدترین منابع قابل دسترس، تلاش خواهد شد ضمن بیان مفاهیم و فرآیندهای رویکرد WTP، با ذکر مصادیق موثر جهانی، کاربرد استفاده از این رویکرد در حوزه شناسایی میزان تمایل به پرداخت ساکنان محلات شهری نسبت به پروژه‌های توسعه شهری به ویژه پروژه‌های بافت فرسوده شهری، مورد مطالعه قرارگیرد تا امکان استفاده موثر از این رویکرد در تجارب آتی کشور فراهم شود.

واژگان کلیدی: بافت فرسوده شهری، تمایل به پرداخت (WTP)، روش ارزش گذاری مشروط (CVM)، پایدارسازی منابع مالی، مشارکت اقتصادی

یکی از منابع پایدار تامین مالی قابل استفاده برای نهادهای شهری برای خدمات رسانی و سرمایه گذاری در زیرساختهای شهری و انجام فعالیتهای جاری و عمرانی شهر، مشارکت شهروندان می باشد که خود مشارکت شهروندان به دو دسته مشارکت اقتصادی و مشارکت اجتماعی دسته بندی می شود. طی دهه های گذشته نظریه های گوناگونی پیرامون مشارکت اجتماعی شهروندان عنوان شده است، اما به طور واضح و رسا مشخصه ای برای میزان مشارکت اقتصادی شهروندان ارائه نگردیده است.

امروزه در شهرهای پویا و موفق جهان مشارکت شهروندان به عنوان اصلی انکار ناپذیر در کامیابی مدیریت شهری بیان می شود، ضمن اینکه سرمایه های در گردش و گاهی سرگردان شهروندان خود به نوعی تبدیل به نیرو محرکه پروژه های زیرساختی و عمرانی شهرها گشته است. همچنین بهره بردن از تمایلات افراد و گروه های ذینفع اعم از گروه های غیر حکومتی، اتحادیه ها، نمایندگان گروه های کم درآمد، شرکتهای داخلی اتاق های بازرگانی و... برای بهبود خدمات دهی در شهر و ارتقا کیفیت زندگی امری عقلایی و شدنی محسوب می شود.

شهرداریها، به طور عمده، به عنوان نهادی برای انجام فعالیتهای عمرانی و جاری شهرها، همواره نیازمند منابع مالی پایدار و نه وابسته (مانند تامین از سوی دولت) و سریع و نهیایا زیانبار (مانند فروش تراکم) بوده است. در این راستا اتخاذ سیاستهایی برای افزایش مشارکت امری اجتناب ناپذیر است.

اما آگاهی از میزان مشارکت اقتصادی مردم و تمایل به پرداخت آنها در فرآیند توسعه پایدار شهری از راه ها و تکنیک های گوناگون می تواند به عنوان منبع مالی پایداری برای پشتیبانی مالی شهرداری باشد. این روشها که عمدتاً سنجیدن ارزش کالاها و خدمات غیر بازاری را شامل می شود و نزدیک به سه دهه است که در ادبیات اقتصاد جای خود را پیدا کرده و آزمون شده اند می توانند به عنوان راهگشای مشارکت اقتصادی مردم به پروژه های عمرانی شهری شوند.

ویژگی منابع مالی شهرداری ها

بر اساس ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور، "شهرداری سازمانی عمومی و غیردولتی است که دارای استقلال و شخصیت حقوقی بوده و تحت نظر شورای شهر که منتخب مردم است و نظارت دولت از طریق وزارت کشور برای انجام وظایفی که در قانون شهرداری آمده، تاسیس شده است." بنا بر تعریف بالا شهرداری دارای وظایفی است که انجام آنها نیازمند صرف هزینه است. بنابراین منابع درآمدی شهرداریها یکی از تاثیرگذارترین موارد در درست انجام شدن وظایف شهرداریهاست. اساساً شیوه کسب درآمد و تامین هزینه شهر در شهرهای بزرگ کشورهای پیشرفته دارای تفاوتی اساسی با شهرهای کشورمان می باشد.

در بیشتر این شهرها، بر اساس هزینه و بودجه ای که به تایید و تصویب نمایندگان مردم شهر در شهرداری رسیده است، و از راه میزان وصول مالیاتهای مربوط به شهر انجام می گیرد و تصویب این مالیات ها، مقدار درآمدهای شهرداری را در طی سال به طور یقین مشخص می کند، زیرا سیستمهای مالی یاتی به گونه ای است که کلیه شهروندان موظف و ناگزیر به پرداخت آن در موعد مقرر می باشند. از طرفی پذیرش و رعایت دستورالعملهای شهرداری در زمینه های مختلف توسط شهروندان از مهمترین عواملی محسوب می شود که در بسیاری از موارد، هزینه های شهرداری را به مقدار قابل توجهی کاهش می دهد.

اما در کشور ما منابع درآمدی شهرداری ها به دو گروه درآمدهای عمومی و درآمدهای موسسات سازمان های وابسته تقسیم می شود. که درآمدهای عمومی در طبقات هفتگانه عبارتند از :

کد - ۱۰۰۰ درآمدهای ناشی از عوارض عمومی (درآمدهای مستمر)

- کد - ۲۰۰۰ درآمدهای ناشی از عوارض اختصاصی
- کد - ۳۰۰۰ بهای خدمات و درآمدهای مؤسسات انتفاعی شهرداری
- کد - ۴۰۰۰ درآمدهای حاصل از وجوه و اموال شهرداری
- کد - ۵۰۰۰ کمکهای اعطایی دولت و سازمانهای دولتی
- کد - ۶۰۰۰ اعانات، هدایا و داراییها
- کد - ۷۰۰۰ سایر منابع تامین اعتبار

که در شهرداریهای شهرهای استانهایی که از سطح توسعه یافتگی بیشتری برخوردارند، سهم عمده تری از درآمدهای ناشی از عوارض عمومی است. در مقابل در شهرداریهای استان های محروم به نسبت درآمدهای حاصل از وجوه و اموال شهرداری بیشتر از میانگین کل کشور است.

از طرفی هزینه های شهرداریها نیز به دو بخش هزینه های عمومی و هزینه های سازمان ها و مؤسسات وابسته تقسیم میشود. هزینه های عمومی خود به سه قسمت وظیفه خدمات اداری، خدمات شهری و عمران شهری تقسیم می شود. دو وظیفه خدمات اداری و خدمات شهری از محل اعتبارات جاری و وظیفه عمران شهری از محل اعتبارات عمرانی تامین مالی میگردد. و وظیفه خدمات اداری خود به سه بخش اعتبارات جاری فعالیت نوسازی از محل ۱۰٪ نوسازی، اعتبارات جاری فعالیت نوسازی از محل درآمد عمومی و بقیه اعتبارات اداری تقسیم می شود. وظیفه عمران شهری نیز به زیرگروه های مختلفی همچون برنامه ریزی توسعه شهری، برنامه بهبود و عبور و مرور شهرها، برنامه بهبود محیط شهری، برنامه هدایت و دفع آبهای سطحی داخل شهری، برنامه ایجاد تاسیسات حفاظتی شهرها و ... تقسیم می شود. [۱۲]

با نگاهی به منابع درآمدی مصوب شهرداری ها متوجه می شویم که گزینه ای تحت عنوان سهم مشارکت اقتصادی شهروندان علیرغم اهمیت آن گنجانده نشده و نقشی در فعالیت عمرانی بازی نمیکند. ضمن اینکه در ادبیات موجود مشارک شهروندان در کشور ما تنها به مشارکت شهروندان برای اجتناب از هزینه های ناشی از زیان رسانی به تاسیسات شهری و مشارکت برای حفظ پاکیزگی شهری برای کاهش هزینه های نظافت شهری پرداخته شده است و اصلا به آوردهای نهفته و بالقوه شهروندان توجه نشده است.

از میان اقلام مندرج در درآمدهای شهرداریها کمکهای مقطعی و دارای نوسان سالانه دولت و وزارت کشور به شهرداریها جهت فعالیتهای عمرانی یا خدماتی، درآمد مستمر و دائمی برای آنان فراهم نمی سازد که بتوان از محل این اعتبارات، سرمایه گذاری در پروژه های عمرانی زیر بنایی و ضروری شهرها را شروع کرد و به اتمام رساند.

بنابراین هرداریهای برای انجام پروژه های معمول مانند ایجاد معابر، جدول گذاری، ایجاد فضای سبز که عمدتا باید از محل عواید محلی و مشارکتهای مردمی پرداخت شود، از محل اعتبارات دولتی بهره میبرد، و برای اجرای پروژه های خاص زیر بنایی و اساسی شهرها خود شهرداریها قادر به تامین هزینه نیستند و یا متاسفانه از چنین پروژه های ضروری ناآگاهند بدیهی است انجام پروژه های اساسی و مهمی مانند بهسازی بافت های فرسوده شهری، تجهیز کردن شهرها به تاسیسات آتش نشانی، ایجاد سدھایی برای جمع آبهای سطحی برای جلوگیری از آب گرفتگی و البته هدایت آبهای سطحی برای افزایش جذب آنها نیازمند صرف هزینه است که کمکهای نوسان دار دولتی یارای پاسخ گویی به انجام این پروژه ها را ندارد.

بعلاوه تامین اعتبار شهرداریها از جانب دولت علیرغم اینکه دغدغه شهرداریها (به ویژه شهرداریهای کوچک) را در تامین اعتبار از بین میبرد ولی اولاً این اعتبارات دولتی عمدتا دارای نوسان هستند و برنامه ریزی برای خدمات زیربنایی میان مدت و بلند مدت با مشکل تامین منبع درآمدی و لاجرم وقفه در انجام مطالعات و یا اجرای آن روبرو می شود و البته چون این منابع به صورت عناصر درون دادی هستند و هیچ مکانیزمی تولید این منابع را پشتیبانی نمی کند از پایداری لازم برخوردار نیستند لذا خود سرمایه به خودی خود صرف میشود و در چرخه ی تولید و انگیزش سرمایه بر نمی آید،

البته با کاهش روزافزون سهم کمک های دولتی به ۱۵٪ از کل درآمد عمومی به ظاهر عملی در جهت کاهش وابستگی شهرداری انجام شده است اما در عمل چون جایگزین مناسبی برای تامین درآمدهای شهرداریها اندیشیده نشد این نهادها با اتخاذ سیاستهای زود بازده و سود آور اقدام به کسب درآمدهای ناپایدار و سهل الوصول می نمایند که مصداق زیانهای بصری و آشکار آنها (صرف نظرا از زیانهای پنهان و اساسی تر) بر کالبد شهروندان خودنمایی می کنند. بدیهی است که با وارد کردن شهروندان به چرخه تامین منابع مالی نه تنها در جهت تثبیت روحیه مشارکت و پایدار سازی منابع مالی شهرداریها پیش خواهیم رفت بلکه ضمانت اجرایی طرحهای پشتیبانی شده از سوی شهروندان بسیار بالا خواهد بود و از دست آورد های آن طرح بهتر نگهداری می شود.

بنابراین به دلیل نمایان شدن ضرورت مشارکت مردم مطالعاتی در علم اقتصاد صورت می گیرد که از آن راستا تمایل به پرداخت شهروندان را برای طرح ها و پروژه های در دست اقدام می سنجند و میزان آورد اقتصادی شهروندان را محاسبه و در نتیجه از یک منبع مالی پایدار و بومی بهره مند می شوند. از آنجائیکه بحث سنجیدن تمایلات مردم برای پرداخت وجوه مشخص برای کالاهای سیاستی راه های معمول در اقتصاد امکان پذیر نیست روشهایی خاص برای این دسته از کالاهای غیر بازاری تدوین شده است که در ادامه به انواع این روشها خواهیم پرداخت.

بدیهی است که با وارد کردن شهروندان به چرخه تامین منابع مالی نه تنها در جهت تثبیت روحیه مشارکت و پایدار سازی منابع مالی شهرداریها پیش خواهیم رفت بلکه ضمانت اجرایی طرحهای پشتیبانی شده از سوی شهروندان بسیار بالا خواهد بود و از دست آورد های آن طرح بهتر نگهداری می شود.

بنابراین به دلیل نمایان شدن ضرورت مشارکت مردم مطالعاتی در علم اقتصاد صورت می گیرد که از آن راستا تمایل به پرداخت شهروندان را برای طرح ها و پروژه های در دست اقدام می سنجند و میزان آورد اقتصادی شهروندان را محاسبه و در نتیجه از یک منبع مالی پایدار و بومی بهره مند می شوند. از آنجائیکه بحث سنجیدن تمایلات مردم برای پرداخت وجوه مشخص برای کالاهای سیاستی راه های معمول در اقتصاد امکان پذیر نیست روشهایی خاص برای این دسته از کالاهای غیر بازاری تدوین شده است که در ادامه به انواع این روشها خواهیم پرداخت.

مفهوم تمایل به پرداخت و روشهای سنجش آن

کالاهای عمومی و سیاستی معمولا بر پایه ارزش پولی که برای آنها گذاشته می شوند سنجیده میشوند. بنابراین بیشترین میزان پولی که یک فرد می خواهد که برای بدست آوردن سود و یا دوری از زیانی بپردازد نشان دهنده اندازه رجحان وی و یا به عبارتی دیگر، تمایل به پرداخت وی (WTP) برای آن سود یا زیان کالا می باشد. به همین ترتیب تمایل به پذیرفتن (WTA) مقداری پول است که به عنوان هزینه به دست آوردن سود یا جلوگیری کردن از زیانی که در آینده به وقوع خواهد پیوست، تلقی می شود. بر این اساس WTP با پرسیدن از افراد برای بیان ارزش پولی خودشان، برای نتایج مورد انتظار و منافع مورد نظرشان در مورد مداخله در پروژه در شرف اجرا، در پی سنجیدن ارزش مداخلات آینده می باشد.

البته نکته دیگری نیز که در این بحث حائز اهمیت است، در نظر گرفتن مفهوم توانایی پرداخته است، به این معنی که پرسش شونده باید ابتدا توانایی مالی پرداخت داشته باشد و آنگاه از تمایل به پرداختش پرسش شود. در جدول ۱ نمایانگر رابطه تمایل و توانایی پرداخت است. بدیهی است که در مطالعات از این دست گروه هدف عموماً از خانه ۱ و ۲ هستند.

جدول ۱: توانایی و تمایل به پرداخت

پرسش شونده تمایل به پرداخت برای کالا و خدمت فرضی را ندارد	پرسش شونده تمایل به پرداخت برای کالا و خدمت فرضی را دارد	
توانایی دارد اما تمایل ندارد (خانه شماره ۲)	هم توانایی دارد و هم تمایل (خانه شماره یک)	پرسش شونده توانایی پرداخت برای کالا و خدمت فرضی را دارد
نه توانایی دارد و نه تمایل (خانه شماره ۴)	توانایی ندارد اما تمایل دارد (خانه شماره ۳)	پرسش شونده توانایی پرداخت برای کالا و خدمت فرضی را ندارد

زمانیکه نظر فردی را در باره فعالیتی پیشنهادی جویا شوند، وی نخست به سود و زیانی که از آن فعالیت متوجه وی میشود می اندیشد و هرگاه سود بدست آمده بیش از زیان باشد از آن فعالیت پشتیبانی مینماید. به عبارتی دیگر فعالیتها زیان آور و همچنین سودآور هستند، چنانچه سود بر زیان چیره گردد آن فعالیت خواستنی است (برای آن تقاضا موجود است)، اگر نه برای آن فعالیت تقاضایی موجود نخواهد بود. بنابراین گام نخست در فهمیدن آنکه انجام فعالیتی با پشتیبانی مالی کافی از سوی تامین کنندگان منابع مالی درست و منطقی می باشد بدست آوردن سودها و هزینه های آن فعالیت برای مصرف کنندگان (در اینجا پشتیبانهای مالی) می باشد.

برای این کار می توان سودها را از منحنی تقاضای کالا و یا خدمتی که از آن فعالیت نتیجه می شود بدست آورد. در واقع منحنی تقاضا میزان مشخصی از کالا را که مردم متمایل به خرید آن در قیمتهای گوناگون هستند نشان میدهد. به این معنی که مردم میزان کمتری از کالایی را که دربرگیرنده هزینه زیاد است خریداری مینمایند. با اقتباس از فرآیند فوق می توان وضعیتی را به صورت فرضی شبیه سازی کرد و مثلا پرسید که در قیمت X چه میزان کالا را خریدارید؟ و پاسخ این پرسش می تواند به مثابه نقطه ای بر روی منحنی تقاضا قلمداد شود و منحنی تقاضای هر فرد برای کالا و یا خدمت مورد نظر را به صورت فرضی بدست آورد. که با جمع تقاضای افراد در قیمتهای ثابت به منحنی تقاضای بازار می رسیم.

بنابراین هر نقطه از منحنی تقاضای بازار برای کالا و یا خدمت مورد نظر نشان دهنده میزان پولی است که هر فرد برای آخرین واحد آن کالا یا خدمت تمایل به پرداخت دارد. در حقیقت تمایل به پرداخت کل همان سودکل است، که سود کل برابر با فضای زیر منحنی تقاضای کالا از نقطه مبدا تا نقطه مورد نظر است. (نمودار ۱) باید توجه داشت که برای بدست آوردن هزینه های کالاهای غیر بازاری مانند خدمات ویژه که فاقد بازارند مانند نوسازی یا بهسازی بافت فرسوده باید منفعت حاصل از انجام فعالیت مقابل و جایگزین فعالیت مورد نظر را در نظر گرفت و آنگاه سود بدست آمده از ارائه خدمت جایگزین به عنوان هزینه خدمت مورد نظر تلقی می شود.



برای سنجیدن سود خدمات ویژه از جمله بهبود محیط و یا زبان خرابی بوجود آمده از سوی محیط، تکنیک های ویژه ای به کارگرفته می شود. برای سنجش تمایل به پرداخت کالاهایی که دارای یازارند از راه داده های در دسترس بازاری میتوان استفاده کرد اما برای خدمات غیر بازاری چنین داده هایی در دسترس نیستند. در اقتصاد سه گونه ارزش به کالا داده میشود:

- ۱- ارزش کاربری
- ۲- ارزش انتخابی
- ۳- ارزش غیر کاربری

که ارزش کاربری عبارت است از استفاده مستقیم از کالای مورد مطالعه. ارزش انتخابی عبارت است از انتظار استفاده آتی از کالای مورد مطالعه و ارزش غیر کاربری عبارت است از ارزشی که اشخاص برای کالایی یا خدمتی که هیچگاه از آن بهره ای نخواهند برد. بنابراین تمایل به پرداخت کل برای هر کالا یا خدمت عبارت است از حاصل جمع این سه ارزش

$$TWP = use\ value + option\ value + nonuse\ value$$

روشهای بسیاری برای تخمین این ارزشها موجود است که این روشها به روشهای مستقیم و غیر مستقیم دسته بندی می شود. در روشهای مستقیم ارزشهای فعلی از ارزش های قابل مشاهده استخراج می شود، ارزشهایی مانند هزینه صرف شده، سودهای بدست آمده و غیره.

روش های اقتصاد برای سنجیدن ارزش های منابع طبیعی و زیست محیطی

روشها	رفتار مشاهده شده	فرضی
مستقیم	- قیمت بازار - بازارهای شبیه سازی شده	ارزش گذاری مشروط
	- هزینه سفر	
غیر مستقیم	- ارزش دارایی هدونیک - ارزش دستمزد هدونیک - هزینه های اجتناب	رتبه بندی مشروط

جدول ۲

همانگونه که در جدول ۲ آمده است در دانش اقتصاد، برای سنجیدن ارزش منابع محیط زیست، چهار گونه روش موجود می باشد

- ۱- روشهای رفتار مشاهده شده مستقیم مانند روش قیمت بازار و بازار شبیه سازی شده
- ۲- روش فرضی مستقیم مانند روش ارزش گذاری مشروط
- ۳- روشهای رفتار مشاهده شده غیر مستقیم مانند روشهای هزینه سفر، ارزش دارایی همدونیک، ارزش دستمزد همدونیک و هزینه های اجتناب و
- ۴- روش فرضی غیر مستقیم مانند روش رتبه بندی مشروط. روش های رفتار مشاهده شده مستقیم بر اساس گزینه های قابل مشاهده واقعی که بتوان از آنها ارزش واقعی منبع را استنتاج کرد، پی ریزی شده است. اما در روش ارزش گذاری مشروط، ارزشهایی که از راه های دیگر قابل اندازه گیری نیستند، اندازه گیری می شود. به طور مثال شیوه کار چنین خواهد بود که از فرد پرسش شونده سوال می شود که مثلاً برای بهسازی محیط زندگی و یا بهبود شهر مادریش چه میزان وجه را میتواند و تمایل دارد که بپردازد. البته باید توجه داشت که یک مطالعه ارزشگذاری مشروط باید به سمت گیری احتمالی پرسش شوندهگان توجه کند زیرا مشاهده شده است ارزش گذاری مشروطی که به خوبی به تمام جوانب توجه نکرده باشد ارزش مورد نظر را بیش از میزان واقعی اش نشان می دهد و البته ارزش غیر کاربری در این روش تقریباً برابر صفر است که آن هم نقطه ضعف محسوب می شود، بنابراین امروزه برای دقیق محاسبه ارزش های مورد نظر از تکنیکی به نام تحلیل متا استفاده می کنند که در حقیقت روش ارزش گذاری مشروط متداخل است که ارزش غیر کاربری را تعیین می کند.

سومین مقوله سنجش ارزش کالاها روشهای رفتار مشاهده شده غیرمستقیم است که در این حالت از رفتارهای مشاهده شده مستقیم ارزش مورد نظر استنتاج می شود تا محاسبه گردد. و در نهایت چهارمین و آخرین دسته این روشها عبارت است از روش فرضی غیرمستقیم که به واسطه تکنیک رتبه بندی مشروط بیان می شود. در این روش به پرسش شونده چندین موقعیت فرضی ارائه می شود که از لحاظ تسهیلات و ویژگی های خاص با یکدیگر متفاوت هستند و فرض شده است که این ویژگیهای خاص برای پرسش شونده دارای اهمیت است، آنگاه از او خواسته می شود که تسهیلات یاد شده را رتبه بندی کند. [۱۱] در انجام پروژه های شهری معمولاً ارزشی که بتوان از آن با توجه به رفتار مشاهده شده، تمایل به پرداخت را استنتاج کرد به ندرت در دسترس است. بنابراین غالباً راهی جز بهره بردن از روشهای سنجش فرضی نیست و از آنجا که در بین روش های فرضی، روشهای مستقیم مانند تجربه برگزیده (choice experiment) و روش ارزش گذاری مشروط (contingent valuation method) نتایج قابل قبول تری را می دهند، و همچنین به دلیل انطباق بیشتر روش ارزش گذاری مشروط با مسایل شهری و کاربرد روزافزون آن در تصمیم گیری و در راستای پایدارسازی منابع مالی شهرداریها، بر آن شدیم تا این روش را بیشتر مورد ارزیابی قرار دهیم.

پیشینه تاریخی روش ارزش گذاری مشروط (CVM)

روش ارزش گذاری مشروط نخستین بار در زمینه اقتصاد منابع و توسط اقتصاد دان معروف ونتراپ در سال ۱۹۴۷، و در کتاب حفاظت از محیط زیست وی برای اندازه گیری ارزش منابع و توسط اقتصاد دان معروف ونتراپ در سال ۱۹۴۷، و در کتاب حفاظت از محیط زیست وی برای اندازه گیری ارزش منابع طبیعی عنوان شد پس از آن روبرت دیویس در سالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ از این روش برای برآورد منافع تفریحات آزاد در اطراف یک رودخانه استفاده کرد و این روش را در زمینه روش شناسی اجتماعی بسط داد. سپس دیویس به بحث قیمت دهی پیشنهادی پرداخت و از آن راه با تخمین معادله ای، تغییرات WTP را توضیح داد.

پایه نظری روش ارزش گذاری مشروط (CVM)

تکنیک های ارزش گذاری اقتصادی برای استخراج تمایل به پرداخت ناپیدای افراد برای کالاهای عمومی و کالاهای سیاسی^۱ و کیفیت زیست محیطی به کار برده می شود. رهیافت های روش شناسانه در ارزش گذاری اقتصادی به دو دسته:

۱- رجحانات بیان شده^۲

۲- رجحانات آشکار شده تقسیم می شود.

تکنیکهای رجحانات آشکار شده بر مبنای داده های مشاهده شده از رفتار واقعی بازار استوار است. روش ارزش گذاری مشروط^۳ (CVM) و تجربه های برگزیده^۴ (CE) از مهمترین تکنیک های رجحانات آشکار شده هستند. روش ارزش گذاری مشروط (CVM) با توضیح دادن ویژگی های خدمت مورد نظر، قوانین نگهداری، روش پرداخت و غیره زمینه را برای حفاظت یا مراقبت از کالای غیربازاری تصریح می کند، در حالیکه روش گزینه برگزیده (CE) پاسخ پرسش شوندگان را برای تغییر در مفاد زمینه آزمایش می کند.

هنگامی که بازار برای خدمت یا کالایی ویژه (مانند کالاها و خدمات عمومی و سیاستی و همچنین زیست محیطی) وجود نداشته باشد، از افراد پرسیده می شود که در شرایط فرضی چه عملی از آنها سر خواهد زد. این روش به نام روش ارزش گذاری مشروط (CVM) معروف است. در حقیقت CV از راه دریافت مستقیم اطلاعات از افراد، تمایل به پرداخت و تمایل به پذیرش پول برای تغییر در کیفیت و یا ارائه نوعی کالا یا خدمت غیر بازاری را می سنجد. از نظر کوچن^۵، روش ارزش گذاری مشروط برای اندازه گیری ارزش های کالاهای غیر بازاری با به کارگیری پرسش های کاوشی برای استخراج رجحانات بیان شده افراد می باشد.

اخیرا رهیافت های تقاضا محور برای توسعه برنامه ریزی توسط بنگاه های توسعه، با باور اینکه دریافت اطلاعات دقیق از رجحانات جامعه برای برون داد پروژه امکان پذیر است، رواج پیدا کرده است. تصمیم گرفتن درباره اینکه چه نوع سرمایه گذاری انجام شود و در کجا این سرمایه گذاری پی گیری شود، معمولا از راه دریافت اجمالی اطلاعات مزایای نهفته، به ویژه به کارگیری مطالعات تمایل به پرداخت و ارزش گذاری مشروط، صورت می گیرد.

از نظر تئوری، نتایج بدست آمده از یک مطالعه CV خوب طراحی شده، می تواند برای تخمین مزایای پروژه پیشنهاد شده، به ویژه هنگامیکه سود مورد نظریه سختی اندازه گیری شود، به کار گرفته شود. روش ارزش گذاری مشروط همچنین می تواند تصمیمات منجر به طراحی پروژه را با در نظر گرفتن تعیین قیمت و تعاون در تامین هزینه آن، متأثر کند. در طول اجرای پروژه، داده های تمایل به پرداخت می تواند اولویت مناطق با تمایل به پرداخت بالاتر را برای انجام پروژه های توسعه ای را تعیین کند.

برای مثال، این موضوع بسیار شایع است که در پروژه های خیریه تامین آب روستایی، تنها جوامعی را که تمایل به مشارکت و تامین بخشی از هزینه را دارند و هزینه های نگهداری را می پذیرند، در نظر می گیرند. بسیاری از مطالعات CV درباره برنامه ریزی پروژه های توسعه ای به این دلیل است که این روش هم برای سرمایه گذاران و هم استقراض دولتی ارزشمند است.

اخیرا رهیافت های تقاضا محور برای توسعه برنامه ریزی توسط بنگاه های توسعه، با باور اینکه دریافت اطلاعات دقیق از رجحانات جامعه برای برون داد پروژه امکان پذیر است، رواج پیدا کرده است. تصمیم گرفتن درباره اینکه چه نوع سرمایه گذاری انجام شود و در کجا این سرمایه گذاری پی گیری شود، معمولا از راه دریافت اجمالی اطلاعات مزایای نهفته، به ویژه به کارگیری مطالعات تمایل به پرداخت و ارزش گذاری مشروط، صورت می گیرد.

از نظر تئوری، نتایج بدست آمده از یک مطالعه CV خوب طراحی شده، می تواند برای تخمین مزایای پروژه پیشنهاد شده، به ویژه هنگامیکه سود مورد نظریه سختی اندازه گیری شود، به کار گرفته شود. روش ارزش گذاری مشروط همچنین می تواند تصمیمات منجر به طراحی پروژه را با در نظر گرفتن تعیین قیمت و تعاون در تامین هزینه آن، متأثر کند. در طول اجرای پروژه، داده های تمایل به پرداخت می تواند اولویت مناطق با تمایل به پرداخت بالاتر را برای انجام پروژه های توسعه ای را تعیین کند.

Policygoods-۴
statedpreferences-۵
revealedpreferences-۶
Contingentvaluemethod-۷
ChoiceExperiment-۸
Kotchen-۹



برای مثال، این موضوع بسیار شایع است که در پروژه های خیریه تامین آب روستایی، تنها جوامعی را که تمایل به مشارکت و تامین بخشی از هزینه را دارند و هزینه های نگهداری را می پذیرند، در نظر می گیرند. بسیاری از مطالعات CV درباره برنامه ریزی پروژه های توسعه ای به این دلیل است که این روش هم برای سرمایه گذاران و هم استقراض دولتی ارزشمند است.

کاربردهای روش ارزش گذاری مشروط (CVM) و مصادیق آن

ارزش گذاری مشروط CV برای ارزیابی کالاهای عمومی و سیاستی به ویژه محیط زیست به کار برده شده است. مطالعات CV در بسیاری از زمینه ها از جمله بهداشت، ذخیره آب، فاضلاب، مدیریت زباله های جامد، تفریحات و بهبود کیفیت هوا تا کنون صورت پذیرفته است. امروزه بسیاری از اقتصاددانان منابع طبیعی و محیط زیست و همچنین تحلیل گران سیاست در کشورهای در حال توسعه بر این باور هستند که روش ارزش گذاری مشروط سراسر و آسان است.

همچنین بنگاه های بخشنده دوسویه و بانکهای توسعه بین المللی بطور فزاینده ای از روش ارزش گذاری مشروط برای استفاده دربرآورد پروژه و سیاست، به عنوان بخشی از کار هرروزه شان استفاده میکنند. البته لازم به ذکر است که عموماً کاربرد روش ارزش گذاری مشروط در کشورهای در حال توسعه در زمینه تامین آب و تجهیز فاضلاب بوده است. بهر حال این زمینه ها در حال افزایش است و امروزه در مواردی چون کیفیت آب های سطحی، بهداشت، نگهداری و حفاظت از گونه های زنده موجودات و ... این روش کاربرد داردیکی از نمونه های کار شده با بهره گیری از این روش در زمینه آلودگی هوا در چین صورت گرفته است.

در این کار پژوهشی تمایل به پرداخت افراد را برای نجات یک زندگی آماری از طریق بهبود کیفیت هوا سنجیده شده است. نمونه گیری این کار پژوهشی با به کارگیری روش نمونه گیری چند پله ای بوده و با مصاحبه رودرو پرسشنامه ها پر شده است. روش تخمین این کار پژوهشی به صورت مدل دو قسمتی انجام شده است که در مرحله نخست با بهره گیری از مدل پروبیت ابتدا به این پرسش پرداخته اند که چه سطحی از جامعه دارای تمایل به پرداخت مثبت هستند (یعنی حاضر به پرداخت وجه برای فرض پژوهش هستند) و پس از مشخص شدن این قسمت، میزان تمایل به پرداخت را تخمین زده اند.

از آنجاییکه قیمت‌های پیشنهادی در این فرآیند مزایده مانند اعدادی ناپیوسته هستند، از رگرسیون وقفه زمانی، برای تخمین میزان تمایل به پرداخت با شرط داشتن تمایل به پرداخت مثبت، استفاده شده است. کل WTP مورد انتظار برابر است با احتمال WTP مثبت و WTP مورد انتظار به شرط داشتن WTP مثبت.

$$\begin{aligned} \text{بخش نخست: } & (\dots, \text{Prob}(WTP > 0)) = f(\text{Age, Sex, Education, Income}) \\ \text{بخش دوم: } & (\dots, WTP | WTP > 0) = f(\text{Age, Sex, Education, Income}) \\ \text{تمایل به پرداخت کل: } & [E[WTP] = \text{Prob}(WTP > 0)] \times E[WTP | WTP > 0] \end{aligned}$$

بهر حال در پایان این مدل پژوهشگران نتیجه گرفتند که نه تنها این مدل برای فرض پژوهش شان به درستی تمایل به پرداخت را تخمین زد بلکه به این باور رسیدند که این مدلها برای کاربرد در برنامه ریزی شهری بسیار موثر است. نمونه دیگری از این دست کارها که در مقوله بهداشت با کاربرد روش ارزش گذاری مشروط در تایوان برای سنجیدن تمایل به پرداخت افراد برای برنامه های ترک اعتیاد توسط مردم عادی انجام شده بود نیز به همین ترتیب نشانگر کارآ بودن این مدل برای متغیرهای غیر بازاری میباشد.

۱۰- مدل Probit که یکی از روشهای اقتصادسنجی است، برای اطلاعات بیشتر به کتاب مبانی اقتصادسنجی، جلد دوم، نوشته دابودار مجرانی-انتشارات دانشگاه تهران مراجعه کنید.

طبق بررسی های انجام شده مشارکت شهروندان در بیشتر شهرهای کشورمان بسیار پایین می باشد، که عواملی چند نیز برای این موضوع آورده اند، از جمله اینکه به دلیل عدم استقلال مالی شهرداری، شهروندان این نهاد را نهادی وابسته به دولت می دانند و همچنین عوامل دیگری چون پایین بودن سرمایه اجتماعی، پایین بودن سطح آگاهی، رنگ باختن حس تعلق و.... در میان شهروندان زبانی دو سویه، هم از بعد عدم مشارکت و هم از بعد آسیب رساندن به تجهیزات شهری، به شهرداری به عنوان نهاد خدمات رسان شهری وارد می کند. البته باید توجه داشت که اعمال سیاستهای ناپجا و وابسته بودن شهرداران به جریان های سیاسی و همچنین عدم برنامه ریزی مناسب جهت بهبود زیرساختها در دراز مدت در روند بی اعتمادی مردم نقش بسزایی داشته است.

از آنجا که مدیریت شهری نوین بدون حضور مردم محکوم به ناکامی و در شرایط خوش بینانه تر، محکوم به وابستگی است، بنابراین جذب مشارکت مردم، به ویژه ترغیب آنها و اعمال سیاستهای صحیح تشویقی برای جمع آوری وجوه سرگردان و در گردش آنها در فرآیند بهبود کیفیت زندگی شهری، می تواند گام مهمی به سوی ایجاد یک منبع پایدار مالی برای شهرداری و در نتیجه حرکت به سوی مدیریت پایدار شهری باشد.

در این مقوله دانش اقتصاد به کمک برنامه ریزان شهری آمده است و روش های مطمئنی چون روش ارزش گذاری مشروط (CVM) را برای سنجیدن ارزش کالا و خدمات خاص، ارائه داده است که نمونه های موفق کاربرد این روش برای تعریف پروژه، ضرورت انجام طرحی خاص و عدم صرف کار و زمان در موارد بیهوده و از همه مهمتر وارد کردن منابع مالی شهروندان به چرخه مالی شهرداری می باشد.

منابع و مآخذ

- ۱-Tietenberg, Thomas H. (۲۰۰۰) Environmental and Natural Resources Economics, Addison-Wesley Longman, United States of America
- ۲-Ladenburg, Jacob. Dubgaard, Alex (۲۰۰۷) Willingness to pay for reduced visual disamenities from offshore wind farms in Denmark, Elsevier.
- ۳-Jorgensen, Bradley S. J. Syme, Geoffrey, Smith, Leigh M. Brian J. Bishop c, (۲۰۰۲), Random error in willingness to pay measurement: A multiple indicators, latent variable approach to the reliability of contingent values
- ۴-Ara Begum, Raw Shan. Siwar, Chamhuri. Pereira, Joy Jacqueline. Jaafar, Abdul Hamid. (۲۰۰۶) Factors and values of willingness to pay for improved construction Waste management – A perspective of Malaysian contractors, Elsevier
- ۵-Frewa, Emma J., Wolstenholme, Jane L., Whynesc, David K., (۲۰۰۳) Comparing willingness-to-pay: bidding game format versus open-ended and payment scale formats. Elsevier
- ۶-Davis, Jennifer. (۲۰۰۴) Assessing Community Preferences for Development Projects: Are Willingness-to-Pay Studies Robust to Mode Effects? World Development, Vol. ۳۲, No. ۴, pp. ۶۵۵-۶۷۲.
- ۷-Whittington, Dale (۱۹۹۸), Administering Contingent Valuation Survey in developing countries, World Development, Vol. ۲۶, no. ۱, pp ۲۱-۳۰.
- ۸-Wang, Hong. Mullahy John. (۲۰۰۶), Willingness to pay for reducing fatal risk by improving air quality: A contingent valuation study in Chongqing, China, Elsevier

۹ -Tang, Chao-Hsiun, Liu, Jin-Tan, Chang, Ching-Wen, Chang, Wen-Ying, (۲۰۰۷)

Willingness to pay for drug abuse treatment: Results from a
Contingent valuation study in Taiwan, Elsevier

۱۰ -Lien hoop, Nele. Macmillan, Douglas. (۲۰۰۵), valuing wilderness in Iceland: Estimation of
WTA and WTP using the market stall approach to contingent valuation, Elsevier

۱۱- مهندس‌ان مشاور هامونپاد، (۱۳۸۳)، شیوه‌های افزایش درآمد و کاهش هزینه‌های شهرداری، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، تهران.

۱۲- معاونت برنامه ریزی و توسعه دفتر امور اقتصادی و سرمایه گذاری سازمان شهرداریهای کشور (۱۳۸۳)، گزارش اقتصاد شهری و شهرداریهای سال ۱۳۸۱، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، تهران.

۱۳ - عسگری، علی، صادقی، حسین، حسینی، سید قاسم، بیگی ساکی، افسانه، (۱۳۸۰) طرح تحقیقاتی تخمین تمایل به پرداخت خانورهای روستایی برای بیمه خدمات درمانی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

۱۴- سهیل خان، م. (۱۳۸۴) شراکت عمومی-خصوصی در خدمات رسانی شهری، جواهری پور، مهردادفرزین پاک، شهرزاد، ابراهیمی، بیثا. انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، تهران.